

# جهان‌شماره

شنبه ۱۵ دی ۱۴۰۳

شماره ۴۳۲۱

فراهی هگانه

FARHIKHTEGANDAILY.COM

فراهی هگانه آنلاین

FARHIKHTEGANONLINE

ظرفیت تولید تسلیحات آمریکا تهی شده است

# بنیاد در حال فروپاشی ارتش آمریکا

مانده زمان فشمی

خبرنگار

مارک باودن در مقاله‌ای در آتلانتیک به بررسی وضعیت ارتش ایالات متحده آمریکا پرداخته است. او برای نشان‌دادن وضعیت ایالات متحده، با یک جمله مهم گزارشش را آغاز کرده است: «ایالات متحده نتوانست سلاح و مهمات را با سرعت کافی برای تأمین اوکراین تولید کند. آیا در صورت وقوع جنگ می‌تواند نیروهای مسلح خود را تجهیز کند؟» آنچه در ادامه از نظر می‌گذرانید گزیده‌ای از این مقاله است که در تاریخ ۱۷ دسامبر ۲۰۲۴ (۲۷ آذر) منتشر شده است.

— — —

اولین بسته کمک‌نظامی آمریکا به اوکراین پس از درگیری این کشور با روسیه در سال ۲۰۱۴، در پی بحران کریمه و بحران‌های شرقی اوکراین (جنگ دونباس) به این کشور عرضه شد. این کمک‌ها عمدتاً شامل تجهیزات غیرکشنده بود، اما به‌مرور زمان و به‌ویژه پس از آغاز حمله نظامی روسیه در فوریه ۲۰۲۲، به سمت ارسال سلاح‌های کشنده تغییر مسیر داد.

در سال ۲۰۱۴، آمریکا کمک‌هایی شامل جلیقه‌های ضدگلوله، تجهیزات پزشکی و تجهیزاتی برای بهبود توانایی‌های ارتباطی نیروهای اوکراینی ارسال کرد. در آن زمان، ارسال سلاح‌های کشنده مجاز نبود و این کمک‌ها بیشتر برای تقویت مقاومت اوکراین در برابر تهدیدات نظامی روسیه طراحی شده بودند.

پس از افزایش تنش‌ها و تهدیدات روسیه، در دسامبر ۲۰۲۱، آمریکا اعلام کرد که در حال بررسی ارائه کمک نظامی بیشتری به اوکراین است. از فوریه ۲۰۲۲، ایالات متحده اقدام به ارسال بسته‌های کمک نظامی شامل سلاح‌های کشنده مانند موشک‌های ضدتانک Javelin و سیستم‌های موشکی Stinger کرد. اولین بسته‌های نظامی در این مقطع شامل ۲۵۰ میلیون دلار کمک نظامی بود که در اوایل فوریه ۲۰۲۲ ارسال شد.

به‌تازگی اعلام شده است که یک بسته کمک‌نظامی به ارزش ۴۰۰ میلیون دلار شامل تجهیزات دفاعی، موشک‌های دفاع هوایی، سامانه‌های راکتی، مهمات توپخانه و توپ‌های تانک به اوکراین داده می‌شود. همچنین، در ماه‌های اخیر، بسته‌های دیگری با ارزش‌های چندمیلیون‌دلاری نیز شامل موشک‌های استینگر و مهمات به اوکراین ارسال شده است. کمک‌های نظامی آمریکا به اوکراین تأثیرات قابل‌توجهی بر جنگ این کشور با روسیه داشته است.

حالا که دولت بایدن روزهای پایانی خود را در کاخ سفید می‌گذراند، وریتر گفته است که دولت در روزهای آینده، بسته نهایی کمک‌های نظامی اوکراین را اعلام و از بودجه باقی‌مانده به‌منظور خرید تسلیحات جدید برای اوکراین استفاده خواهد کرد. این بسته شامل سامانه‌های پدافند هوایی و مهمات توپخانه‌ای است، اما هنوز جزئیات دقیقی از محتوای بسته‌ها اعلام نشده است. وریتر گفته این بسته نظامی می‌تواند یکی از آخرین اقدامات آمریکا در حمایت مستقیم از اوکراین باشد، زیرا به نظر می‌رسد در دولت ترامپ، کمک‌های نظامی مستقیم آمریکا به اوکراین دچار تحولات اساسی می‌شود.

ترامپ در طول مبارزات انتخاباتی خود بارها سطح دخالت این کشور در جنگ اوکراین را زیر سؤال برد و پیشهاد کرد که متحدها اروپایی بار مالی بیشتری را تحمل کنند. از زمان آغاز جنگ در سال ۲۰۱۴، ایالات متحده ۱۷۵ میلیارد دلار به اوکراین کمک کرده است که شامل تقریباً ۶۱.۴ میلیارد دلار کمک نظامی است.

آمریکا اما نتوانست سلاح و مهمات را با سرعت کافی برای تأمین اوکراین تولید کند. آیا در صورت وقوع جنگ می‌تواند نیروهای مسلح خود را تجهیز کند؟

### عرضه و تقاضا

در دوره سوم قرن بیست و یکم، مهم‌ترین مهمات در زرادخانه آمریکا به مرحله حیاتی ساخت خود می‌رسند. خط تولید کارخانه آیووا نمونه‌ای از اتروفی [آتروفی، تحلیل یا کاهش اندازه عضلات را می‌گویند.] صنعتی است. این نشان می‌دهد که چرا ثروتمندترین ارتش روی زمین پس از حمله روسیه به اوکراین در فوریه ۲۰۲۲ نتوانست تقاضای مهمات توپخانه‌ای را تأمین کند. در آن زمان، آمریکا حدود ۱۴ هزار گلوله در ماه تولید می‌کرد. تا سال ۲۰۲۳، اوکراین نیاز هشت هزار گلوله شلیک می‌کردند. دو سال و میلیارد‌ها دلار طول کشید تا آمریکا تولید خود را به ۴۰ هزار گلوله در ماه افزایش دهد که هنوز هم کمتر از نیازهای اوکراین است. بخش بزرگی از این موضوع به این دلیل است که آمریکا هنوز به مانند پدر بزرگ و مادر بزرگ هیمان توپ‌های هویتز می‌سازد. راه‌های بهتر، سریع‌تر و مطمئن‌تری وجود دارد. می‌توانند ویدیوهای کارخانه‌های خودکار را تماشا کنند، به‌عنوان مثال کارخانه‌هایی که در اروپا کار می‌کنند. برخی از تأسیسات جدید آمریکا در حال راه‌اندازی هستند، اما هنوز به ظرفیت درست خود نرسیده‌اند.

مشکل فقط گلوله‌های بدون سرنشین و موشک را به اندازه کافی سریع بسازد نمی‌تواند هواییماهای بدون سرنشین و موشک را به اندازه کافی سریع بسازد تا نیازهای اوکراین را بر آورده کند. خود آمریکا فاقد ذخایر اجزای ضروری است. یک تلاش برای بازسازی عظیم اکنون در حال انجام است، بزرگ‌ترین تلاش در یک قرن اخیر، اما این کار به‌سرعت انجام نمی‌شود و حتی ظرفیت افزایش‌یافته به درخواست‌ها به اندازه درخواست‌های اوکراین نزدیک نمی‌شود و حتی کمتر ذخایر تخلیه‌شده را بازمایی می‌کند. برای مثال، هواییماهای بدون سرنشین را در نظر بگیرید. در دسامبر ۲۰۲۳، رئیس‌جمهور اوکراین خوستار تولید داخلی یک میلیونی در سال برای رفع نیازهای جنگ شد. در این میان، عرضه پهپادهای ارانه توسط ایالات متحده به اوکراین به هزاران فروند رسید و بسیاری از آن‌ها در میدان نبرد به‌خوبی نمونه‌های دست‌ساز اوکراینی و اغلب پهپادهای چینی تولید شده در این کشور عمل نکرده‌اند. در آمریکا اما شرایط بیشتر از سرنوشت اوکراین در خطر است. درحالی‌که دولت جدید آمریکا خود را برای به دست گرفتن قدرت آماده می‌کند، آینده کمک‌های آمریکا به اوکراین در بهترین حالت نامشخص است و می‌تواند کاهش یابد یا حتی به پایان برسد. اما موانعی که ایالات متحده در تلاش برای تأمین تجهیزات اوکراین در دو سال گذشته با آن روبرو بوده، ضعف نظام‌مند و شکیاف امنیت ملی را آشکار کرده است. این ضعفی است که ارتش آمریکا را در همه سطوح تحت‌تأثیر قرار می‌دهد و عموم مردم تا حد زیادی از آن بی‌اطلاع هستند. ماشین جنگی افتخارآمیز آمریکایی در آشفنگی و خرابی است.

دونالد تروکراس، نماینده مجلس نمایندگان آمریکا که ریاست جلسه استماع کمیته فرعی خدمات مسلح مجلس در مورد ساخت مهمات را یک ماه پس از تهاجم روسیه به اوکراین برعهده داشت، گفت وضعیت برخی از تأسیسات ما نگران‌دهنده است و این اغراق‌آمیز نیست. تد اندرسون، یک افسر بازنشسته ارتش که اکنون یکی از شرکای اصلی Forward Global، یک شرکت مشاوره دفاعی است، گفت اگر بدانید چقدر کمبود مهمات توپخانه داریم، تمام شب را بیدار می‌مانید.

### چه اتفاقی افتاده است؟

این فقط یک دست‌انداز در جاده و تنها مربوط به مهمات نیست. ارتش ایالات

متحده، ثروتمندترین ارتش جهان، با کمبود عمیق و نهادی مواجه است. در دسامبر ۱۹۴۰، فرانکلین روزولت، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، تقریباً یک سال قبل از حمله ژاپنی‌ها به پرل هاربر، آینده‌نگری داشت تا صنعت تسلیحات را تقویت کند. سپس ماشین جنگی شاهکارهای شگفت‌انگیزی انجام داد. بیش از هزار کشتی جنگی جدید به همراه ناوگان کشتی‌های باری، ناوهای حامل نیرو و تانک‌ها را به آب انداخت. تولید هوایما حتی شگفت‌انگیزتر بود. در تمام سال‌های قبل از سال ۱۹۳۹، تنها حدود شش هزار هوایما در آمریکا ساخته شده بود. طی پنج سال بعد، کارخانه‌های آمریکایی ۳۰۰ هزار هوایما تولید کردند. آن‌ها همچنین ۸۶ هزار تانک و بیش از دو میلیون کامیون ساختند. تولید مهمات به قدری سریع شتاب گرفت که تا سال ۱۹۴۳، ۲٫۵ میلیارد گلوله در دسترس بود و حجم آن مشکلات ذخیره‌سازی را ایجاد می‌کرد. سلاح‌های آمریکایی در جنگ پیروز شدند.

وقتی جنگ تمام شد، تولیدات این کارخانه قدرتمند به طور قابل‌توجهی کاهش یافت و یک‌بار دیگر در طول جنگ کره و جنگ سرد به تولید اولیه برگشت. در سال ۱۹۶۱، دوباره آن قدر بزرگ شد که آیزنهاور درباره نفوذ فزاینده مجتمع نظامی –صنعتی هشدار داد. این همان چیزی است که بسیاری از آمریکایی‌ها هنوز به آن فکر می‌کنند: به طرز تهدیدآمیزی بزرگ، پیشرفته، حرفه‌ای، هوشیار، کشنده و بسیار گران‌قیمت. بودجه سالانه حدود یک تریلیون دلاری پنتاگون بیشتر از مجموع هزینه‌های دفاعی ۹ ارتش بزرگ بعدی است. این مبلغی غیرعادی است که برای زیرساخت‌های صنعتی که شامل عملیات معدن، کارخانه‌های شیمیایی، کارخانه‌ها، انبارهای ذخیره‌سازی، زرادخانه‌ها، کشتی‌ها، قطارها، هواییماها، سکوهای پرتاب و آزمایشگاه‌های تحقیقاتی، پرداخت می‌شود. امروزه جهان آن قدر پیچیده و قابل‌تغییر است که ترسیم نقشه آن تقریباً غیرممکن شده است.

با کنارگذاشتن بخش خدمات خصوصی شده عظیمی که از عملیات دولتی پشتیبانی می‌کند، زیرساخت صنعتی ارتش دارای سه بخش شد. اولین و قدیمی‌ترین پایگاه صنعتی ارگانیک ارتش است؛ کارخانه‌ها، انبارها و زرادخانه‌های پرانکده در سراسر آمریکا. برخی از این‌ها، به‌ویژه آن‌هایی که حیاتی‌ترین یا مخفی‌ترین آن‌ها تلقی می‌شوند، متعلق به خود ارتش هستند و اداره می‌شوند. بیشتر آن‌ها، مانند کارخانه آیووا، به‌اصطلاح GOCO (مالکیت دولت، پیمانکار) هستند. اما پایگاه صنعتی ارگانیک اصول اولیه را تأمین می‌کند: مهمات، وسایل نقلیه و تجهیزات.

بخش دوم ماشین جنگ صنعتی، بخش تولید شرکنی است که امروزه تحت سلطه پنج پیمانکار بزرگ است: لاکهید مارتین، نورثروپ گرومن، بوئینگ، جنرال داینامیکس و ریتون. این شرکت‌ها از معاملات سودآور برای توسعه و ساخت سیستم‌های تسلیحاتی پیشرفته برخوردارند.

سومین و جدیدترین بخش ماشین جنگ آمریکا، بخش فناوری است، از جمله مایکروسافت، گوگل، آمازون، لائپتر، اسپیس ایکس، اندوریل و

تعداد زیادی شرکت کوچک‌تر. این‌ها مسئول نرم‌افزار و سخت‌افزاری‌اند

که به عنصر حیاتی جنگ مدرن تبدیل شده؛ هواییماهای بدون سرنشین و

فناوری مرتبط و همچنین هوش مصنوعی و سیستم‌های نظارت الکترونیکی،

ارتباطات، تجزیه‌وتحلیل داده‌ها و راهنمایی. تکامل سریع هواییماهای

بدون سرنشین در جنگ روسیه و اوکراین که در آن استراتژی‌های حمله و

دفاع خودکار تقریباً هر روز تغییر می‌کنند، نشان می‌دهد که بخش فناوری

چقدر حیاتی شده است.

این بخش‌ها هم با آنچه که قوی‌ترین نیروی جنگی روی کره زمین باقی‌مانده، پشتیبانی می‌کنند، اما پایه نیروی جنگ در حال فروپاشی است. دلایل زیادی برای آنچه اتفاق افتاده وجود دارد. برنامهریزی استراتژیک نتوانست تقاضای ناگهانی برای تسلیحات متعارف را پیش‌بینی کند. سود صلح پس از جنگ سرد، اگرچه پیمانکاران نظامی را از کار انداخت. جنگ بر سر بودجه در کنگره، عدم قطعیت بودجه را ایجاد کرده که سرمایه‌گذاری بلندمدت در تولید تسلیحات را لغو می‌کند. در مورد مهمات، بسیاری از کارهای خطرناک ساخت آن‌ها به خارج از آمریکا واگذار شده، به کشورهایی که نیروی کار ارزان و مقررات زیست‌محیطی و ایمنسی اندک دارند. در همین حال، در هر نوع ساخت نظامی، از پیچیده‌ترین تا ساده‌ترین آن‌ها، به مواد خام و اجزای تشکیل‌دهنده مانند اورانیوم، مواد شیمیایی، مواد منفجره، تراشه‌های کامپیوتری، قطعات پدکی، تخصص و به‌زنجیره تأمین جهانی گسترده وابسته است که در برخی موارد شامل همان کشورهایی (چین، روسیه) است که آمریکا با آن‌ها مبارزه می‌کند.

### مطالعه موردی

گلوله هویتز، یک مهمات نسبتاً ساده است که مشکلاتی را که آمریکا با آن روبرو است، نشان می‌دهد. هویتز خود یک سلاح چندصدماله است؛ یک لوله شلیک متحرک بزرگ‌تر از خمپاره و کوچک‌تر از یک توپ. اغلب روی چرخ‌ها نصب و معمولاً به‌صورت گروهی استفاده می‌شود. برای پرتاب گلوله روی نیروهای نزدیک صوف دشمن، استفاده می‌شود. یک گلوله هویتز ۱۵۵ میلی‌متری دارای شعاع انفجاری بیش از ۱۵۰ فوت است، قطعات را حتی دورتر می‌فرستد و می‌تواند به خودروها و مواضع مستحکم آسیب برساند یا آن‌ها را بین ببرد.

راند هویتز امروزی دارای قطعات مختلفی است که هرکدام به فرایند تولید خاص خود نیاز دارند. بدنه فولادی با یک آلیاژ فرموله شده خاص به نام HF-1 ساخته شده که برای مقاومت در برابر فشار فوق‌العاده ناشی از شلیک توپ به بیرون طراحی شده، اما به اندازه‌ای شکننده است که در هنگام انفجار تکه‌تکه شود. بیشتر این نوع فولاد از ژاپن و آلمان وارد می‌شود، اما بخشی از آن نیز از چین وارد می‌شود. درون هر محفظه فولادی مواد منفجره ریخته می‌شود، چیزی که ارتش آن را انرژی می‌نامد که امروزه به‌طورکلی تی‌ان‌تی است: ۲۴ پوند از آن در هر دور. در حال حاضر، هیچ تی‌ان‌تی‌ای در ایالات متحده تولید نمی‌شود. تقریباً تمام آنچه استفاده می‌شود از لهستان وارد و با پیش‌سازهای شیمیایی از کشورهای دیگر از جمله، چین ساخته می‌شود. برای افزایش ۱۰ برابری تولید ایالات متحده نیاز به ۲٫۴ میلیون پوند تی‌ان‌تی در ماه است. به همین دلیل است که ارتش به سمت یک ماده منفجره جدیدتر به نام IMX می‌رود که در نهایت جایگزین تی‌ان‌تی خواهد شد، اما نه به این زودی. ایالات متحده در حال حاضر ذخایر این مواد را دارد و تعداد بیشتری از آن در حال ساخت است. ارتش سفارش IMX خود را از کارخانه مهمات هلستون ارتش در تنسی تقریباً سه برابر کرده است.

افزایش نیروگاه‌های موجود، مانند کارخانه اسکرانتون که در آن روکش‌های فولادی برای پوسته‌های هویتز ساخته می‌شود، با دوبرابر کردن و سپس سه برابر کردن تعداد شیفت‌های کاری هشت‌ساعته انجام می‌شود. این در دو سال پس از حمله به اوکراین انجام شده است. مزایای اضافه‌کاری و استخدام‌های جدید باعث می‌شود تا کارخانه‌ها به‌صورت شبانه‌روزی کار کنند، اما امکانات قدیمی‌اند. آتش‌سوزی کوچکی در کارخانه مهمات اسکرانتون ارتش در ماه سپتامبر رخ داد که مجبور به تخلیه ساختمان آسیب‌دیده شدند. کسی آسیب ندید، اما این حادثه نگرانی‌هایی را در مورد آسیب‌پذیری ایجاد کرد. قدمت بخش‌هایی از این کارخانه به قرن نوزدهم بازمی‌گردد. در اصل این کارخانه برای نگهداری ریل‌ها و واگن‌های ریلی ساخته شده بود؛ اما در طول جنگ کره به یک ریخته‌گری فولاد بزرگ‌پیکر تبدیل شد. امروزه بسیاری از کارگران اتحادیه مدت طولانی کار می‌کنند و کارمندان نسل دوم و سوم هستند. فضای داخلی تاریک و غارنشین آن می‌تواند صحنه‌ای برای یک فیلم ترسناک هالیوودی باشد. داخل کارخانه خمره‌های غول‌پیکری قرار دارد که در آن شمش‌های سنگین فولاد HF-1 در حال ساخته شده و به شکل استوانه‌هایی کشیده می‌شوند. آن‌ها که به رنگ زارنجی روشن می‌درخشند، روی غلنک‌های فلزی یکی‌یکی به خط تولید پرسرورصدا فرود می‌آیند و به‌تدریج سرد می‌شوند و به رنگ خاکستری مات می‌رسند. سپس هرکدام دوباره گرم می‌شوند تا در داخل یک دستگاه بزرگ قرار گیرند و با ضربه و انقباض بالا، شکل بگیرند و یک کانتور آیرودینامیک و گلوله مانند ایجاد کنند. برای کار مطابق با هدف، روکش‌ها باید دقیقاً متناسب با لوله‌های شلیک باشند، بنابراین آن‌ها را به طور مکرر در طول خط بررسی و اندازه‌گیری می‌کنند. سپس روکش‌ها به درخشندگی بالایی می‌رسند، بیشتر این کار عملی است. هر پوسته که از یک سسیم آویزان است، از یک ایستگاه رنگ‌باش می‌گذرد، جایی که سطح روشن با رنگ سبز ارتشی پوشانده شده است.

پنتاگون امیدوار است گسترش تولید گلوله‌های هویتز ۱۵۵ میلی‌متری را تا سال ۲۰۲۶ به ۱۰۰ هزار گلوله در ماه، از سطح فعلی ۴۰ هزار گلوله در ماه برساند. کشورهای ناتو هم در حال گسترش تولیدند. همه این‌ها کمک خواهد کرد، اما رقابت برای مواد معدنی و مواد منفجره کمیاب را هم افزایش خواهد داد. به‌عنوان مثال، لهستان مرز ۱۴۴ مایلی خود را با روسیه دارد و درگیر تقویت نظامی خود است. این کشور ممکن است یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان تی‌ان‌تی در جهان باشد، اما قرار نیست همه آن را بفروشد. اوکراین همچنین به‌شدت به موشک‌ها (جاوولین، استینگر)، سیستم‌های ضد موشکی و سکوهای پرتاب موشک مانند سامانه موشکی توپخانه با تحرک بالا که بیشتر با نام مخفف HIMARS شناخته می‌شوند، نیاز دارد. این سلاح‌ها بسیار پیچیده‌ترند و برای اکثر آن‌ها، ساخت آمریکا در پایین‌ترین حد خود بوده است. تولید استینگر، عمدتاً یک سلاح ضدهوایی، تا سال ۲۰۲۳ متوقف شد، اما بعد شرکت ریتون، مهندسان بازنشسته و فراخواند تولید به طور کامل ازسرگرفته شد. تولید تاماهاوک، برترین موشک کروز نیروی دریایی، کم است. هنگامی که کشتی‌های آمریکایی در زانو به حملات خود را به اهداف یمنی‌ها در یمن آغاز کردند، در روز اول تعداد بیشتری از تاماهاوک‌ها را نسبت به کل سال گذشته شلیک کردند. نیروی دریایی دارای ذخایر است، اما به‌وضوح این میزان استفاده ناپایدار است و موشک‌ها بسیار پیچیده‌تر از گلوله‌های توپخانه هستند. آن‌ها به انواع بیشتری از مواد منفجره کمیاب و همچنین تجهیزات الکترونیکی بسیار پیچیده نیاز دارند. درحالی‌که یک گلوله هویتز از حدود ۵۰ تأمین‌کننده مختلف استفاده می‌کند، یک موشک تنها به ۵۰۰ عدد از ده‌ها کشور بستگی دارد.

تصور کنید پای آمریکا به طور غیرمنتظره‌ای به جنگ مهم دیگری کشیده شود. اگر سال‌ها از برآوردن خوشه‌های اوکراین عقبیم، اگر مجبور باشیم برای دفاع از تایلوان، پشتیبانی دریایی و نیروهای زمینی ارانه دهیم، چگونه عمل می‌کنیم؟ یا اگر یک کشور ناتو توسط روسیه پوتین مورد تهاجم قرار گرفت؟ یا اگر یک درگیری در حال گسترش در خاور میانه، ایالات متحده را عمیق‌تر سر خود جلب کند؟ دولت بایدن که نگران ترک احتمالی اوکراین



توسط دونالد ترامپ است، تحویل تسلیحات و تجهیزات را افزایش داده است که به‌ناچار نگرانی‌هایی را در مورد کفایت ذخایر خود ایجاد کرده است.

عدم آمادگی آمریکا به‌تدریج در این کشور رخنه کرد. تولید مهمات پس از سال ۲۰۰۱، زمانی که حملات ۱۱ سپتامبر تمرکز ارتش را به القاعده و دیگر دشمنان غیردولتی تغییر داد، به پایین‌ترین حد خود رسید. تولید تسلیحات از قبل کند شده بود. کارخانه‌ها در حال تعطیل شدن بودند. کوتاهی جنگ خلیج‌فارس، در سال ۱۹۹۱، زمانی‌که ارتش صدام در مدت پنج‌روز از کویت خارج شد، این باور را تقویت کرده بود که دیگر نیازی به ذخیره و نگهداری منابع عظیم اسلحه و مهمات نیست. حتی سال‌های جنگ در افغانستان و عراق، پس از ۱۱ سپتامبر، بیشتر شامل اطلاعات، مراقبت واحدهای کوچک پیساده‌نظام متحرک نیزوهای ویژه بود. افزایش کوتاهی در تولید خودروهای زرهی سنگین برای مقابله با مین‌ها و بمب‌های کنار جاده‌ای در عراق رخ داد، اما حتی آن جنگ طولانی نیز روند نزولی کلی را متوقف نکرد.

### شام‌آخر

تهی‌شدن ظرفیت تولید تسلیحات آمریکا تا حدی یک داستان کوچک در مورد کارخانه‌ها و زنجیره‌های تأمین و نیروی کار است. درک اندازه و پیچیدگی پایه صنعتی مهم است؛ اما نیروهایی که تلاش‌های تولیدی را در آیووا و پنسیلوانیا و جاهای دیگر شکل می‌دهند به واشنگتن‌دی‌سی بازمی‌گردند. آن‌ها شامل سیاست، بحث‌های سیاسی، دکترین نظامی، پیش‌بینی‌های کارشناسان، پول مالیات‌دهندگان و در نهایت اعمال اراده ملی می‌شوند.

روشنی که جنگ‌های آینده را پیش‌بینی کرده و برای آن برنامه‌ریزی کرده، آمری‌کارا به مسیری خط‌ناک ساده است. همیشه صداهای درباره نیاز به پیش‌بینی احتمال وقوع یک جنگ زمینی طولانی در جایی هشدار می‌دادند و همچنین هشدار می‌دادند که چنین جنگی بر تولید تسلیحات ایالات متحده فشار وارد می‌کند. به‌عنوان مثال، کرستین بروس، یکی از مدیران سابق کمیته نیروهای مسلح سنا، در کتاب «زنجیره کشتار» چگونگی درگیری ایالات متحده با چین بر سر سر تایوان را مطرح کرد. اما دکترین نظامی ایالات متحده به‌طور قاطع بر نبرد یا حمایت از یک جنگس زمینی بزرگ متمرکز نبود و چشم‌انداز چنین جنگی در اروپا در قرن بیست‌ویکم بعد به نظر می‌رسید؛ بنابراین نیاز بالقوه به میلیون‌ها گلوله توپخانه معمولی در عصر موشک‌ها وجود داشت. گویی پس از جنگ جهانی دوم، یک فراخوان ناگهانی برای سواره‌نظام شنبه می‌شد.

تصور سناریوهای غیرمحممل، بخشی از وظیفه پنتاگون است. جنگ همیشه انتظارات را از بین می‌برد. ژنرال‌ها برای غلافگیری نقشه می‌کشند و هنگامی که جنگ‌ها شروع می‌شوند، به روش‌های غیرمنتظره‌ای تکامل می‌یابند.

در آغاز جنگ اوکراین، اکثر تحلیلگران در جامعه دفاعی معتقد بودند این جنگ تنها روزها یا هفته‌ها ادامه خواهد داشت. روسیه همسایه کوچک‌تر خود را زیر پا می‌گذارد، زلنسکی را برکنار و یک رژیم سازگار را برپا می‌کند. در عوض، این تهاجم موجب دفاع شجاعانه‌ای شد که جهان غرب را گرد آورد. دو سال بعد، جنگ به یک بن‌بست تبدیل شد که آن را جنگ جهانی اول با فناوری نامیدند. ارتش اوکراین تا حدی با استفاده سنگین از توپخانه، به‌ویژه هویتز، دفاع مؤثری ایجاد کرد.

برنامه‌ریزی جنگ در یک زمینه سیاسی و استراتژیک بزرگ‌تر از پنتاگون

اتفاق می‌افتد؛ این دلیل دیگری است که ایالات متحده خود را در جایی که

هست می‌بیند. بسیاری از کاهش ظرفیت تولید تسلیحات آمریکا، عمدی و

نتیجه فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان جنگ سرد بود. ایالات متحده

امروزه نمی‌تواند دستاورد جنگ جهانی دوم را تکرار کند و نمی‌تواند کامیون

و تانک و کشتی و هوایما در این حجم بسازد.

هنگامی‌که تقاضا برای مهمات متعارف در سال ۲۰۲۲ افزایش یافت،

بازیگران مستقر در صنعت خصوصی که تردید داشتند جنگ در اوکراین به

اندازه کافی طول بکشد تا سر مایه‌گذاری سودآور باشد، تمایلی به آماده‌شدن

نداشتند. برخی از شرکت‌های کوچک‌تر وسوسه شدند وارد عمل شوند، اما

در مورد ریسک هم عصبی‌اند. جان کافمن، صاحب یک شرکت مهمات

کوچک،به نام Armada Ammunition مستقر در فلوریدا، در حال حاضر به

دنبال فرصتی برای شروع ساخت مهمات هویتز است. او دارای صندوق‌های

تأمینی است که میلیون‌ها دلار را به او پیشنهاده می‌کنند تا بتواند بازی را شروع

کند. او می‌داند چگونگی این کار را انجام دهد و حتی تأمین‌کنندگان مواد اولیه

را نیز ردیف کرده است. تقاضا به‌وضوح وجود دارد؛ اما اگر ناگهان این طور

نباشد چه اتفاقی می‌افتد؟ جنگ‌ها پایان می‌یابند یا حداقل فروکش می‌کنند.

او می‌گوید: «پس شما تمام این ماشین‌آلات و تمام این محصولی را که تازه

سفارش دادید، دارید و هیچ تضمینی وجود ندارد که واشنگتن شرکت شما

را کامل نگه دارد.»

موقعیت کافمن کوچک‌ترین حالتی است که هر سازنده خصوصی با قراردادهای نظامی با آن مواجه است. اگر کنگره بخواهد در مورد حفظ پایگاه نظامی –صنعتی جدی باشد، می‌توان تدابیری اندیشید تا به شرکت‌ها یک بالشتک و تضمین امنیت بدهد. مشکل امروز مقیاس جنگ جهانی نیست. روشی که کنگره امروز کار می‌کند، فقط عرضه تسلیحات و مهمات را در یک جنگ جهانی فلج نمی‌کند؛ بلکه آن را در جنگ در هر مقیاسی فلج می‌کند.